

بررسی اثربخشی مشاوره گروهی آدلری بر آشفتگی زناشویی و تعارض بین فردی زوجین^۱

احمد امانی*

ماریا هادی**

ناصر یوسفی***

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی مشاوره گروهی آدلری بر آشفتگی زناشویی و تعارض‌های بین فردی زوجین بود. این پژوهش به صورت یک طرح نیمه تجربی از نوع پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری با گروه کنترل انجام گرفت. ۱۲ زوج (۲۴ نفر) دارای تعارض بین فردی و آشفتگی زناشویی مراجعه کننده به مراکز مشاوره سازمان بهزیستی شهر سمنان انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۶ زوج) و کنترل (۶ زوج) جایگزین شدند. مداخله درمانی در قالب مشاوره گروهی آدلری در ۱۲ جلسه بر روی گروه آزمایش اجرا گردید. ابزارهای مورد استفاده برای اندازه گیری متغیرها پرسش‌نامه‌های تجدیدنظر شده تعارض بین فردی زناشویی (R-MCQ) و آشفتگی زناشویی (MSI-R) بودند. داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر تحلیل شدند. نتایج نشان داد که مشاوره گروهی آدلری موجب کاهش آشفتگی زناشویی و تعارض‌های بین فردی زوجین شده است. بر این اساس می‌توان بیان کرد که این درمان برای پژوهش‌گران و مشاوران حوزه خانواده جهت حل مشکلات ارتباطی زوجها کارساز است.

واژه‌های کلیدی: مشاوره گروهی آدلری، آشفتگی زناشویی، تعارض‌های زناشویی

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی و جویای بقاست که همین امر، منجر به گرایش وی به تبادل و تعامل با سایر افراد به‌ویژه جنس مخالف می‌گردد، گرایشی که زمینه شکل‌گیری و تداوم پیوند عاطفی _ جنسی بین دو جنس را موجب می‌شود (James, 2015; Shafiabadi, 2015). از زمان شکل‌گیری زندگی اجتماعی و گرایش افراد به سمت تشکیل اجتماعات تا عصر حاضر، افراد در قالب اشکال و روش‌های گوناگونی با یکدیگر پیوند و رابطه برقرار کرده و می‌کنند که اساسی‌ترین، رایج‌ترین و پذیرفته شده‌ترین این اشکال، ازدواج می‌باشد (Margelisch, Schneewind, Violette, & Perrig-Chiello, 2015). شکلی که به‌عنوان عالی‌ترین رسم اجتماعی، با ایجاد پیوند عرفی، شرعی و قانونی بین افراد، زمینه بقا و امنیت آن‌ها را از طریق ارضای نیازهای روانی- جسمانی (نظیر نیازهای عاطفی، نیاز به امنیت و نیازهای

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه به شماره پژوهشی ۲۴۰۸۶۲۶ تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۰ می‌باشد.

* دانشیار گروه مشاوره خانواده دانشکده علوم انسانی دانشگاه کردستان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)

ahmad_counselor@yahoo.com

** کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشکده علوم انسانی دانشگاه کردستان، سمنان، ایران

*** دانشیار گروه مشاوره خانواده دانشکده علوم انسانی دانشگاه کردستان، سمنان، ایران

مربوط به بقا) فراهم می‌کند و مقدمه‌ای برای شکل‌گیری و تداوم خانواده به‌عنوان ابتدایی‌ترین و تأثیرگذارترین سازمان و نهاد اجتماعی می‌گردد (Kargar, 2013; Allendorf & Ghimere, 2013; Kimiaee, & Mashhadi, 2014).

پایداری و ثبات ازدواج (marital stability) تحت تأثیر عوامل مختلفی، نظیر ویژگی‌های شخصیتی (personality characteristic)، تشابه نگرشی، تشابه فرهنگی، تشابه مذهبی - قومیتی، سلامتی شخصیتی و از همه مهم‌تر داشتن مهارت در به‌کارگیری اصول ارتباطی زوجی و برخورد معقولانه و سازنده با تعارض‌ها و آشنفگی‌های زناشویی (marital conflict) قرار دارد (George, Lou, Web, 2015; Pugh, Martinez, & Foukston, 2015). تعارض شکلی از اختلاف‌های نظری و عملکردی بین زوجین است که در صورت حل شدن آن، روزبه‌روز بر شدت آن افزوده شده و منجر به مختل شدن چهارچوب‌های ارتباطی زوجین و نهایتاً انحلال سیستم زناشویی می‌شود (Madigan, Plamondon & Jenkins, 2017). تعارض نوعی اختلاف‌نظر، عدم‌توافق و ناآرامی طبیعی در قالب روابط زوجی می‌باشد که بی‌توجهی زوجین به آن، منجر به تشدید و تداوم آن، در جریان زندگی زناشویی می‌گردد (Sadati, Mehrabizadeh Honarmand, & Soodani, 2015). منظور از تعارض زناشویی، هرگونه اختلاف و عدم‌تفاهم ارتباطی مابین زوجین است که با مشاجره‌های کلامی و غیرکلامی توأم می‌باشد و در صورت تشدید ثبات پیوند زناشویی و استحکام سیستم خانواده را مختل می‌کند (Papp, 2017). بروز این نوع معضلات در قالب روابط زناشویی به‌تدریج موجب به‌هم‌ریختگی کامل ساختارهای ارتباطی حاکم بر روابط زوجین می‌شود و روابط زناشویی را به‌طور کامل آشفته می‌کند (James, 2015). آشنفگی زناشویی (marital disturbance) یکی از عواملی است که منجر به نابودی تدریجی روابط زناشویی و گرایش زوجین به طلاق می‌شود، نوعی بی‌تفاوتی، از هم‌گسیختگی و بی‌تفاوتی زوجین نسبت به یکدیگر و حقوق و تکالیف خویش است. آشنفگی زناشویی با وجود نزدیکی بیش‌ازحد و ارتباط متقابلی که با تعارض زناشویی دارد، تحت‌عنوان به هم خوردگی قالب‌های ارتباطی زناشویی و مختل شدن ساختار ارتباطی آن‌ها که تحت تأثیر انباشته شدن انواع احساس‌های سرکوب‌شده نسبت به‌طرف مقابل شکل می‌گیرد، تعریف می‌شود (Kargar, kimiaee, & Mashhadi, 2014).

بر اساس مطالعات و تجارب بالینی، در جوامع مختلف عامل افزایش نرخ طلاق (Divorce) و صعود روزافزون این بحران، گسترش بیش از حد ناهنجاری‌های ارتباطی، نظیر تعارض‌ها و آشنفگی‌های زناشویی، عنوان شده است (Fallahchai, Fallahi, & Ritchie, 2016; KeshavarzAfshar, Etemadi, Ahmadinavade, Saaipour, 2013). شفیعی‌نیا و حسینیان (ShafiNia & Hoseinian, 2007) نیز گسترش بیش‌ازحد طلاق در سطح جامعه و اهمیت و نقش تأثیرگذار تعارض‌ها و نارضایتی‌های زناشویی را در گرایش زوجین به سمت طلاق مورد تأکید قرار می‌دهند.

هوسوکاوا و کانسورا (Hosokawa & Katsura, 2017) و ماتشیتزی و نموتاندانی (Matshitzi & Nemotandani, 2017) بیان می‌کنند که تعارض‌ها تأثیرات مخربی بر سلامت جسمی و روان‌شناختی زوجین دارد، که منجر به جدایی و طلاق در زوجین می‌شوند.

نهادهای و سیستم‌های مسئول در حوزه خانواده و روابط زناشویی، باهمتی دوچندان، همواره در جهت شناسایی راه‌حل‌ها و روش‌هایی جهت کاهش احتمال گسیختگی سیستم خانواده و مستحکم‌کردن این نهاد فوق‌العاده حساس و مهم در سطح جامعه اقدام کرده‌اند و انواع مختلفی از روش‌های کمکی طراحی و تدوین کرده‌اند که یکی از آن‌ها کمک به بهبود روابط زوجی و کاهش احتمال طلاق از طریق رویکردهای درمانی گروهی است.

درمان‌های گروهی در طی جنگ جهانی دوم در پاسخ به کمبود افراد متخصص و آموزش‌دیده برای ارائه درمان‌های فردی، جهت کمک به بهبود انواع مختلفی از بیماری‌ها و آسیب‌های روانی (psychopathy)، نظیر افسردگی (depression)، اختلالات جنسی (sexual dysfunction) اضطراب (anxiety) و اختلالات روان‌تنی (psychosomatic disorders) پدید آمد (Coery, 2011). به مرور زمان، انواع مختلفی از درمان‌های گروهی طراحی و تدوین شدند که هرکدام از آن‌ها، با تکیه بر بنیان معرفت‌شناختی که بدان معتقد و پایبند بودند، در جهت بهبود بیماری‌ها و آسیب‌های مختلف اقدام کردند که یکی از کاربردی‌ترین این رویکردها، گروه‌درمانی آدلر (Adlerian group counseling) است (ShafiAbadi, 2014). گروه‌درمانی آدلری، رویکردی پدیدارشناسانه، غایت‌نگر و هدفمند است که به صورتی التقاطی و یکپارچه و از طریق ایجاد تغییراتی در نقشه‌های شناختی زوجین و هدایت آن‌ها در مسیر هماهنگی و تناسب، در جهت بهبود روابط بین‌فردی (نظیر روابط زوجی) و روابط گروهی گام برمی‌دارد (Coery, 2013).

مشاوره گروهی آدلر توسط آدلر و درایکورس (Adler and Dreikurs) جهت بهبود و حل مشکلات مراجعین مختلف، از طریق تقویت علاقه اجتماعی (social interest) و افزایش جرأت عمل‌کردن در آن‌ها، طراحی و تدوین شده است که با تأکید بر ایجاد رابطه‌ای برابر و توأم باعلاقه و احترام بین‌فردی و در قالب فنون مختلف شناختی، رفتاری و هیجانی (cognitive behavioral and emotional) در مسیر تسهیل روابط اعضای گروه و مشارکت گروهی، برای حل مشکل آن‌ها حرکت می‌کند (ShafiAbadi, 2014). کوری (Coery, 2013) بیان می‌کند که مشاوره گروهی آدلری در قالب چهار مرحله اساسی، سعی در بهبود روابط زوجی (روابط دوستی، روابط شغلی و روابط زوجی) دارد که این مراحل عبارت‌اند از: برقراری ارتباط منسجم و یکپارچه با اعضای گروه (رابطه‌ای مبتنی بر برابری، همکاری، مساوات‌طلبی و احترام که در قالب فنون ارتباطی راجرزمحور، نظیر گوش دادن فعال و برون‌دادهای آن، همدلی، همخوانی و پذیرش توأم با ارزش‌گذاری، سعی بر تسهیل ارتباط بین اعضا (زوجین) و پرورش حس مشارکت آن‌ها دارد؛ بررسی سبک زندگی (life style) افراد (سبک زندگی‌ای که به اعتقاد آدلر مبنا و قالب اصلی رفتار، افکار و هیجانات افراد بوده و عملکرد ارتباطی افراد را مشخص می‌کند)؛ تغییر سبک زندگی و اشتباهات اساسی (سبک زندگی زوجین در جهت علاقه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری از طریق از بین بردن اشتباهات اساسی مغل روابط زوجی یا گروهی هدایت می‌شود و هم‌چنین تناسب بین آن‌ها در جریان درمان برقرار می‌شود) و نهایتاً جهت‌گیری مجدد و بازآموزی (فرایندی که طی آن مراجعین «زوجین» تشویق به به‌کارگیری بینش‌های کسب‌شده در جریان زندگی واقعی می‌شوند). امانی، سهرابی، باقری، و نصیری (Amani, Sohrabi, Bagheri, & NasiriHanis, 2018) بیان

می‌کنند رویکرد آدلری ضمن بهبود کیفیت روابط زناشویی، صمیمیت و بخشودگی بین فردی (interpersonal forgiveness) را نیز افزایش می‌دهد. واتز، واتز و پیترزاک (Wats, Wats, & Piterzak, 2000) نیز در پژوهش‌های خویش تأثیرگذاری گروه‌درمانی آدلری را، در بهبود روابط بین-فردی نظیر روابط زوجی را مورد تأکید قرار می‌دهند.

از دیگر پژوهش‌هایی که ضمن تأکید بر نقش تعارض‌ها و نارضایتی‌های زناشویی در گرایش زوجین به سمت طلاق، بر رویکردهای درمانی گروهی نظیر گروه‌درمانی آدلری در بهبود این تعارض‌ها و نهایتاً کاهش گرایش به سمت طلاق در جامعه خبر می‌دهند می‌توان به پژوهش‌های کری (2012) استیگلیتز و همکاران (Stiglitz et al., 2013) و لی سی، کوماری و ام سی مون (2013) (Lacey, Kumari, & Mcmunn) اشاره کرد.

به‌طور کلی، مطالب پیشین، گسترش بیش‌ازحد تعارض‌ها و آشتنگی‌های زناشویی را به‌عنوان یکی از علل اصلی طلاق و انحلال روابط زناشویی خانوادگی آشکار می‌سازد و همچنین، اثربخشی مشاوره گروهی آدلری را در بهبود صمیمیت و کیفیت روابط زوجی نشان می‌دهد، لذا، این پژوهش بر این بود که اثربخشی مشاوره گروهی آدلری را بر بهبود آشتنگی‌ها و تعارض‌های زناشویی مورد سنجش و بررسی قرار دهد. در پژوهش حاضر دو فرضیه بررسی شد: ۱. مشاوره گروهی آدلری، باعث کاهش آشتنگی زناشویی زوجین می‌شود. و ۲. مشاوره گروهی آدلری باعث کاهش تعارض‌های بین فردی زوجین می‌شود.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر نیمه آزمایشی، از نوع طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون - پیگیری با گروه کنترل است. جامعه پژوهش شامل کلیه زوجین با تعارض و آشتنگی زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و سلامت سازمان بهزیستی شهر سنجند بود. در یک فراخوان مبنی بر انجام یک کار مشاوره‌ای گروهی برای زوج‌های با آشتنگی زناشویی و تعارض‌های بین زوجی، ۲۴ زوج به روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب و سپس ۱۲ زوج (۲۴ نفر) به صورت تصادفی و بر اساس ملاک‌های ورود پژوهش تعارض‌ها و آشتنگی زناشویی (نمرات بالاتر در پرسش-نامه‌های مذکور)، حداقل سطح تحصیلات دیپلم، مطلقه نبودن/ قهر نبودن و حداقل ۳ سال سابقه ازدواج، حداقل دارای ۱ فرزند و خروج از پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های اولیه در دو گروه آزمایش (۶ زوج) و گروه کنترل (۶ زوج) گمارده شدند.

ابزار اندازه‌گیری

پرسش‌نامه تعارض زناشویی-فرم تجدید نظر شده (Marital Conflict Questionnaire- Revised form): پرسش‌نامه تجدید نظر شده تعارض‌های زناشویی (marital conflicts) یک ابزار ۵۴ ماده‌ای است که برای سنجش تعارض‌های زناشویی توسط ثنائی‌ذاکر و براتی و بوستانی‌پور، Sanai Zakeri, Barati

BoostaniPour, 2008) (& ساخته شد. ابعاد این پرسش‌نامه شامل هشت خرده‌مقیاس کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجان، جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خویش، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر است (Sadati, MehrabiHonarmand, & Soudani, 2015). ماده‌های این پرسش‌نامه در یک طیف لیکرت ۵ رتبه‌ای نمره گذاری می‌شود (هرگز (۱)، بندرت (۲)، گاهی (۳)، اکثراً (۴) و همیشه (۵)). حداکثر و حداقل نمره پرسش‌نامه ۲۷۰ و ۵۴ است. در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر و تعارض کمتر است. ضرایب آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه در پژوهش ثنایی و همکاران (Sanaii et al., 2008) ۰/۹۶ به دست آمده است.

پرسش‌نامه آشنایی زناشویی (Marital Satisfaction Inventory). این پرسش‌نامه یک ابزار خود گزارشی ۱۵۰ ماده‌ای است که توسط فرم بازبینی شده پرسش‌نامه نارضایتی زناشویی اشنايدر (Snaydr, 1997) برای شناسایی و اندازه‌گیری میزان آشنایی زناشویی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Minz, Snaydr, & Ngi, 2003) و دارای دو خرده‌مقیاس روایی عدم ثبات و پایداری آزمودنی در پاسخگویی و قرارداد گزایی است. یک خرده‌مقیاس آشنایی کلی؛ و ده خرده‌مقیاس سنجش آشنایی در ابعاد مختلف روابط زناشویی (ارتباط عاطفی، ارتباط جهت حل مشکل، پرخاشگری، زمان باهم‌بودن، مسائل مالی، مسائل جنسی، تاریخچه مشکلات خانوادگی، رضایت از فرزندان، تعارض در تربیت فرزندان و جهت‌گیری نقش). ماده‌ها به صورت صفر و یک نمره گذاری می‌شود و نمره بالا نشانه آشنایی بیشتر است. اشنايدر (Snaydr, 1997) ضرایب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه را از ۰/۹۳ تا ۰/۷۰ گزارش کرده است.

روند اجرای پژوهش

پس از انتخاب نمونه برای هر دو گروه آزمایش و کنترل یک پیش‌آزمون اجرا شد و جلسات مشاوره گروهی آدلری طبق پروتکل درمانی برگرفته از رویکرد درمانی آدلر، درایکورس در قالب ۱۲ جلسه بر روی شرکت‌کننده‌های گروه آزمایش انجام پذیرفت و گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکردند. پس از یک ماه گروه‌های آزمایش و کنترل در پس آزمون مورد اندازه‌گیری قرار گرفتند و درنهایت آزمون پیگیری برای هر دو گروه اجرا گردید.

جلسه‌های مشاوره گروهی آدلری

جلسه	محتوای جلسات
مقدماتی	اجرای پیش‌آزمون: به منظور دستیابی به اطلاعات مربوط به نوع مشکل و وضعیت روانی و بین فردی زوجین تعیین چهارچوب جلسات: جهت شفاف سازی ضوابط و قوانین گروه
اول	ارتباط و چالش عاطفی: آشنایی اعضا با یکدیگر و شکل‌گیری ارتباط عاطفی مبتنی بر همدلی، اعتماد و صمیمیت طرح مشکل: بحث در مورد موضوع جلسه و ارائه‌ی نتایج مطلوب حاصل از این نوع درمان جهت ایجاد زمینه تغییر مثبت در اعضا

جلسه	محتوای جلسات
دوم	کاوش پویش‌های فرد (شناخت عوامل مؤثر بر شیوه زندگی): بررسی اهداف تخیلی اعضا؛ جهت دستیابی به انتظارات واقعی اعضا و نحوه دستیابی به اهداف زندگی بررسی سبک زندگی؛ جهت تفسیر رفتار و نحوه برخورد اعضا در زندگی (اجرای آزمون سبک زندگی آدلر)
سوم	کاوش پویش‌های فرد (آشنایی و چالش با تکالیف زندگی از طریق تعاملات اعضای گروه در جلسه): بررسی میزان علاقه‌ی اجتماعی اعضا در زندگی شخصی و زناشویی (اجرای آزمون ارزیابی علاقه‌ی اجتماعی آدلر) - تعیین میزان تلاش اعضا برای برتری و تفوق، به عنوان محرکی در جهت تلاش برای تسلط بر مشکلات زناشویی (اجرای مقیاس موفقیت میان فردی)
چهارم	کاوش پویش‌های فرد (شناخت اولویت‌های شخصیتی و اشتباهات اساسی زندگی): بررسی عوامل اضطراب و روان نژدی اعضا در زندگی زناشویی و سهم هر یک از عوامل فوق در ایجاد " یأس "
پنجم	کاوش کردن پویش‌های فرد و کسب بینش (شناخت و بازسازی خاطرات اولیه): رویارویی و مواجهه اعضا با خود و زندگی بر مبنای اصول انسانی - کسب بینش و شناخت اعضا از خود و یکدیگر
ششم	ترغیب کردن، خودشناسی و کسب بینش (ارزیابی اهداف زندگی، چالش با منطق خصوصی) - (با این توضیح که ما زندگی خود را مبنی بر همین اشتباهات اساسی بنا می‌گذاریم: سبک زندگی)
هفتم	شروع درمان: کسب بینش، دلگرمی و جرأت بخشیدن (گام‌های خود جرأت بخشی): به چالش کشیدن سبک زندگی اعضا بوسیله‌ی تبدلات و تعاملات بین فردی در جلسات گروه درمانی - مواجهه افراد با خود و یکدیگر و بیان نقطه ضعف‌ها و نقد منصفانه‌ی خود و یکدیگر - بررسی اهداف جدید و سبک زندگی متمایز و عدم تکرار و ادامه اشتباهات بنیادی و سبک زندگی قبلی
هشتم	ترغیب کردن خودشناسی و کسب بینش (شناخت موانع اهداف، تغییر نقش احساسات)
نهم	کمک کردن به جهت‌گیری مجدد (جمع‌بندی مقوله‌های مؤثر بر شیوه زندگی): هدف در مشاوره‌ی آدلری از بین بردن " یأس " است، از طریق کاربرد فنون مشاوره‌ای نظیر همدلی و دلگرمی رهبر گروه، و اعضا نسبت به یکدیگر در جلسه‌ی درمان - قبول مسوولیت اعمال و رفتار توسط اعضا
دهم	جهت‌گیری مجدد (بازنویسی داستان زندگی): - بازسازی مجدد سبک زندگی از طریق تصحیح اشتباهات بنیادی، تقویت من خلاقه برای غلبه بر مشکلات و خودشکوفایی - بازسازی شبکه روابط اعضا با اعضای خانواده و همسر - استفاده از تکنیک‌های درمان آدلری بنابر تشخیص رهبر گروه در جهت پیشبرد اهداف درمانی برای تغییر سبک زندگی نظیر (نقش بازی کردن، قصد متناقض، دکمه‌ی فشار، تجربه‌ی آه، و ...)
یازدهم	جمع‌بندی (داستان زندگی): تمرین و بررسی تکالیف محوله غلبه بر احساس حقارت و تأکید بر علاقه‌ی اجتماعی به جای جبران افراطی احساس بی‌کفایتی در رابطه‌ی زناشویی (تعرض مردانه) - تقویت علاقه‌ی اجتماعی افراد با بازخوردها و تعاملات انجام شده در گروه - بحث و بررسی سبک زندگی شامل علاقه‌ی اجتماعی تغییر یافته در اعضا
دوازدهم	اجرای پس‌آزمون: بررسی نتایج مباحث مطرح شده در جلسات از طریق اجرای پس‌آزمون

تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (تحلیل با اندازه‌گیری مکرر) تحلیل شدند.

یافته‌ها

جدول ۱

میانگین و انحراف معیار متغیرهای آشفتگی و تعارض زناشویی در گروه‌های آزمایش (۱۲ نفر) و کنترل (۱۲ نفر) در مسیر تله پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری

متغیرها	مرحله	گروه	میانگین	انحراف معیار
آشفتگی زناشویی	پیش آزمون	آزمایش	۱۰۹/۰۸	۱۱/۰۹
		کنترل	۱۰۴/۶۶	۱۰/۴۹
	پس آزمون	آزمایش	۸۱/۸۳	۱۰/۲۹
		کنترل	۹۹/۱۶	۱۲/۶۵
	پیگیری	آزمایش	۸۱/۵۸	۹/۹۴
		کنترل	۹۷	۱۳/۱۰
تعارض زناشویی	پیش آزمون	آزمایش	۳۳۳/۰۰	۱۳/۹۲
		کنترل	۱۹۹/۳۳	۱۸/۵۲
	پس آزمون	آزمایش	۱۷۴/۴۲	۱۴/۰۳
		کنترل	۲۰۸/۳۳	۲۴/۶۱
	پیگیری	آزمایش	۱۶۶	۱۳/۵۳
		کنترل	۲۱۲/۹۲	۲۲/۷۴

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین نمرات متغیرهای آشفتگی زناشویی و تعارض زناشویی در مراحل پس آزمون و پیگیری نسبت به مرحله پیش آزمون کاهش یافته است. مفروضه آزمون همگنی واریانس‌های موشلی نشان داد که مقدار F برای متغیرهای آشفتگی زناشویی و تعارض زناشویی و نتایج آزمون همسانی واریانس‌های لون نیز نشان دادند که مقدار F برای این دو متغیر معنی دار نیستند.

جدول ۲

نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر اثر درون گروهی متغیر آشفتگی زناشویی در گروه آزمایش و کنترل

منابع تغییرات	درجه آزادی	نمره F	سطح معنی‌داری	مجذور اتا	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات
آشفتگی زناشویی	۲	۱۲۰/۰۳	< ۰/۰۰۱	۰/۸۴	۱۹۸۲/۰۲	۹۹۱/۰۱
آشفتگی زناشویی × گروه	۲	۶۰/۴۴	< ۰/۰۰۱	۰/۷۳	۹۹۸/۰۲	۴۹۹/۰۱
خطا	۴۴					

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که اثر درون گروهی نمره متغیر آشفته‌گی زناشویی در مراحل پیش آزمون، پس آزمون و پی‌گیری در سطح $P < 0/001$ معنادار ($F = 120/03$) است، بدین معنی که بین نمرات آزمودنی‌ها در متغیر آشفته‌گی زناشویی در گروه آزمایش از مراحل پیش آزمون تا مرحله پیگیری کاهش یافته است.

جدول ۳

نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر اثرات بین گروهی متغیر آشفته‌گی زناشویی در گروه آزمایش و کنترل						
منابع تغییرات	درجه آزادی	نسبت F	p	مجذور اتا	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات
گروه	۱	۴/۳۵	$< 0/049$	۰/۱۶	۲۲۲۳/۳۴	۲۲۲۳/۳۴
خطا	۲۲					

نسبت F تحلیل واریانس بین گروهی برابر با ۴/۳۵ که در سطح معنی داری $p < 0/049$ معنادار است. این یافته نشان می‌دهد که متغیر آشفته‌گی زناشویی در بین دو گروه متفاوت، و مداخله در گروه آزمایش مؤثر بوده است.

جدول ۴

نتایج مقایسه آزمون تعقیبی بونفرونی در مراحل سه گانه آشفته‌گی زناشویی در گروه آزمایش			
(i)	(j)	اختلاف میانگین‌ها (i-j)	سطح معناداری
پیش آزمون پس آزمون		۱۰/۶۶	$p < 0/001$
پیش آزمون و پیگیری		۱۱/۵۲	$p < 0/001$
پس آزمون پیگیری		۰/۸۷	$p = 0/603$

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، بین نمره آشفته‌گی زناشویی در پیش آزمون با پس آزمون و پیگیری در گروه آزمایش در سطح $p < 0/001$ تفاوت معناداری وجود دارد. مثبت بودن اختلاف میانگین‌ها نشان می‌دهد که آشفته‌گی زناشویی در پس آزمون و پیگیری نسبت به پیش آزمون کاهش یافته است، اما بین نمرات پس آزمون و پیگیری تفاوت آماری معناداری وجود ندارد.

همچنین نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که اثر درون گروهی متغیر تعارض زناشویی در مراحل سه گانه پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری در سطح $0/001$ معنادار ($F = 172/59$) است. بدین معنی که بین نمرات آزمودنی‌ها در متغیر تعارض زناشویی در گروه آزمایش در پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵

نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر متغیر تعارض زناشویی اثرات درون گروهی در گروه آزمایش

منابع تغییرات	درجه آزادی	نسبت F	سطح p	مجذور اتا	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات
تعارض زناشویی	۲	۱۷۲/۵۹	< ۰/۰۰۱	۰/۸۸	۱۰۶۵۳/۸	۵۳۲۶/۵۴
تعارض زناشویی × گروه	۲	۳۶۳/۸۹	< ۰/۰۰۱	۰/۹۴	۲۲۴۶۰/۳۶	۱۱۲۳۰/۱۸
خطا	۴۴					

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که اثر درون گروهی متغیر آشفستگی زناشویی در مراحل سه گانه پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری در سطح ۰/۰۰۱ معنادار ($F = ۱۷۲/۵۹$) است. بدین معنی که بین نمرات آزمودنی‌ها در متغیر تعارض زناشویی در گروه آزمایش در پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری تفاوت معناداری وجود دارد و درمان اثربخش بوده است.

جدول ۶

نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر اثر بین گروهی متغیر تعارض زناشویی در گروه آزمایش

منابع تغییرات	درجه آزادی	نسبت F	p	مجذور اتا	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات
گروه	۱	۴/۶۴	۰/۰۴۲	۰/۱۷	۴۴۴۹/۳۸	۴۴۴۹/۳۸
خطا	۲۲					

نسبت F تحلیل واریانس بین گروهی متغیر تعارض زناشویی برابر با ۴/۶۴ که در سطح معنی داری $p < ۰/۰۴۲$ معنادار است. این یافته نشان می‌دهد که نمره متغیر تعارض زناشویی در بین دو گروه متفاوت، و مداخله در گروه آزمایش مؤثر بوده است.

جدول ۷

نتایج مقایسه تعقیبی آزمون بونفرونی در مراحل سه گانه تعارض زناشویی در گروه آزمایش

(i)	(j)	اختلاف میانگین‌ها (i-j)	سطح معناداری
پیش آزمون پس آزمون		۲۴/۷۹۲	< ۰/۰۰۱
پیگیری		۲۶/۷۰۸	< ۰/۰۰۱
پس آزمون پیگیری		۱/۹۱۷	= ۰/۴۵۵

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود بین نمره تعارض زناشویی در پیش آزمون با پس آزمون و پیگیری در گروه آزمایش تفاوت معناداری وجود دارد. مثبت بودن اختلاف میانگین‌ها نشان می‌دهد که

تعارض زناشویی در پس آزمون و پیگیری نسبت به پیش آزمون کاهش یافته است، اما بین نمرات پس آزمون و پیگیری تفاوت معناداری وجود ندارد.

بحث

پژوهش حاضر به منظور بررسی اثربخشی مشاوره گروهی آدلری برآشفتگی زناشویی و تعارض‌های بین فردی زوجین انجام شد. فرضیه اول پژوهش نشان داد که مشاوره گروهی آدلری بر کاهش آشفتگی زناشویی تأثیر معناداری دارد و تا حد زیادی موجب کاهش میزان آشفتگی زناشویی در بین زوجین دارای آشفتگی و تعارض شده است. امانی و همکاران (Amani & et al., 2013) در ضمن تأکید برافزایش سطح تعارض و آشفتگی‌های زناشویی به عنوان یکی از عوامل منجر به طلاق، نشان داد که رویکرد مشاوره گروهی آدلری تأثیر مهمی در کاهش تعارض‌ها و آشفتگی‌های زناشویی و بهبود صمیمیت بین زوجین دارد و همچنین بیان کرد بکارگیری رویکرد مذکور باعث بهبود کیفیت ارتباط زوجین و افزایش رضایت زناشویی شده و در نتیجه آمار طلاق کاهش پیدا می‌کند.

فراهانی و همکاران (Farahani et al., 2007) دریافتند که مشاوره گروهی آدلری تأثیر معناداری در کاهش درگیری‌ها و نارضایتی‌های زناشویی دارد و با کاهش سطح تعارض و آشفتگی‌های زناشویی تا حد زیادی رضایت از زندگی زناشویی را در زوجین افزایش می‌دهد. کارلسون و همکاران (Carlesan et al., 2006) نیز در پژوهش خویش اثربخشی مشاوره گروهی آدلری را در بهبود کیفیت روابط زوجی و کاهش آشفتگی‌ها و ناخوشایندی‌های زناشویی و به تبع افزایش رضایت زناشویی زوجین گزارش کردند. سایر پژوهش‌هایی که نتایج آن با نتیجه فوق همخوانی و همسویی دارد می‌توان به پژوهش‌های عابدی و همکاران (Abedi et al., 2012)، علی‌زاده و هاشمی (AliZadeh & Hashemi, 2008)، پورغفاری و همکاران (PourGhafari et al., 2009) و ریچارد (Richard, 1989).

در تبیین این یافته می‌توان گفت که فرد به مرور در جریان زندگی خویش و در سال‌های اولیه زندگی مبنای اصلی و محتوایی سبک زندگی خویش را به عنوان هدایت‌کننده‌ترین عنصر جریان زندگی فردی و زوجی پایه‌ریزی می‌کند (Coery, 2013). سبک زندگی فردی آمیخته‌ای از خود واقعی، آرمانی، اعتقادات اخلاقی و پارادایم‌های ذهنی فرد نسبت به محیط پیرامون و تکالیف وجودی خویش می‌باشد و لذا هرگونه خلل و نفوذ نگرش‌های غلط و توأم با اشتباه در آن، زمینه بروز خلل در انجام وظایف فردی و زوجی را فراهم می‌کند و به مرور منجر به ظهور آشفتگی‌های درون فردی و بین فردی می‌شود (Amani et al., 2013; Ansbacher, 1979) درمان آدلری با تأکید بر شناسایی دقیق سبک زندگی زوجین و با تمرکز بر شناسایی و رفع اشتباهات اساسی مختل‌کننده روابط درون فردی و بین فردی، آن‌ها را به سمت پرورش علاقه اجتماعی و جرأت‌مندسازی جهت انجام مطلوب تکالیف درون فردی و بین فردی هدایت می‌کند و بدین شکل و با همسو کردن سبک زندگی زوجین،

آشفتگی‌ها و ناخوشایندی‌های زوجی را رفع کرده و گرایش زوجین به انحلال سیستم خانواده و درهم‌شکستی پیوند زناشویی را کاهش می‌دهد (Wats, 2003).

در واقع در مشاوره گروهی آدلری، درمان‌گر با برقراری پیوندی عمیق و توأم با صمیمیت و برابری با اعضای گروه و بین اعضای گروه، زمینه آشکار ساختن عقاید درون فردی و بین فردی زوجین و آشکار ساختن سبک زندگی اعضای گروه به‌عنوان فرمان هدایت‌کننده عملکرد ذهنی و رفتاری را فراهم می‌کند، پس از بینش درمانگر و اعضا نسبت به سبک زندگی خویش و طرف مقابل (همسر و سایر اعضای گروه)، به شناسایی اشتباهات اساسی می‌پردازد که منجر به بروز درگیری و آشفتگی زناشویی و مختل شدن انجام تکالیف بین فردی شده است، در ادامه پس از بینش اعضای گروه نسبت به این واقعیت که وجود این اشتباهات اساسی و بی‌توجهی آن‌ها نسبت به تکالیف بین فردی و زوجی منجر به بروز نارضایتی‌های زناشویی شده است، انگیزه درهم‌شکستن این اشتباهات مختل‌کننده و انجام مطلوب تکالیف و وظایف بین فردی در اعضای گروه (همان زوجین) فراهم می‌شود و بدین شکل و با انجام تکالیف زوجی و غلبه بر اشتباهات اساسی، زمینه همسویی سبک زندگی زوجین تا حد زیادی فراهم می‌شود و بدین شکل و با پرورش حس همکاری مشترک (همان علاقه اجتماعی) آشفتگی‌ها و درگیرهای زناشویی کاهش پیدا کرده و سطح رضایت زوجین از زندگی خویش افزایش پیدا می‌کند.

در بررسی فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه مشاوره گروهی آدلری، بر کاهش تعارض‌های بین فردی زوجین تأثیر معناداری دارد، نتایج نشان داد که مشاوره گروهی آدلری بر کاهش تعارض زناشویی تأثیر معناداری دارد و تا حد زیادی موجب کاهش میزان تعارض‌های زناشویی در بین زوجین دارای تعارض زناشویی می‌شود. فراهانی و همکاران (Farahani et al., 2007) در پژوهش خویش گزارش کردند که مشاوره گروهی آدلری تأثیر معناداری در کاهش تعارض و بی‌میلی‌های زناشویی برخوردار می‌باشد و تا حد زیادی با کاهش تعارض و نارضایتی‌های زناشویی، میزان رضایت زوجین از زندگی خویش در ابعاد مختلف را افزایش می‌دهد.

کارلسون و دینک مایر (Carelsan & Dinkmayer, 2007) نیز در پژوهش خویش ضمن تأکید بر افزایش تعارض‌های زناشویی در بین زوجین به‌عنوان یکی از علل اصلی طلاق، گزارش کردند که مشاوره گروهی آدلری تأثیر معناداری در کاهش تعارض و ناخوشایندی‌های زناشویی دارد و بدین شکل تا حد زیادی گرایش زوجین به سمت انحلال سیستم خانواده و مختل کردن پیوند زناشویی خویش را کاهش می‌دهد. سایر پژوهش‌هایی که با نتیجه فوق همخوان است و اثربخشی مشاوره گروهی آدلری را در کاهش تعارض‌های زناشویی گزارش کردند می‌توان به پژوهش‌های واتس (Wats, 2003) و هاوس (Haws, 1993) اشاره کرده است.

تعارض‌ها و اختلاف‌های بین فردی زوجین از یکسو ناشی از وجود افکار غیرمنطقی یا تشدیدکننده درگیری‌های زناشویی است که آدلری‌ها تحت‌عنوان اشتباهات اساسی از آن یاد می‌کنند و از سوی دیگر متأثر از خلل در انجام تکالیف بین فردی زوجین و بی‌تفاوتی آن‌ها نسبت به حقوق زوجی است (Richard, 1989). زمانی که سبک زندگی زوجین با یکدیگر همسویی نداشته‌باشد و توأم با اشتباهات

غیرمنطقی و مخرب باشد، زمینه بروز اختلافات و تشدید آن و در نهایت تعارضات زناشویی را بین زوجین فراهم می‌کند، لذا درمانگران آدلری پس از ایجاد محیطی سرشار از پذیرش عمیق و همدلی در جلسات درمانی فردی و گروهی با بررسی پویس‌های زندگی فردی (سبک زندگی فردی، تکالیف اساسی، اشتباهات اساسی و خاطرات اولیه) زمینه‌ی کافی برای همسو کردن سبک زندگی فردی زوجین با یکدیگر، درهم‌شکستن اشتباهات مخرب و بازسازی خاطرات اولیه همسو با روند زندگی فعلی را از طریق تمرکز بر پرورش حسی از علاقه اجتماعی، کاهش احساسات مخرب به‌ویژه احساس حقارت و متعهد ساختن زوجین به تحقق تکالیف اساسی زندگی را فراهم می‌کنند و بدین‌شکل ثبات پیوند زناشویی و تداوم آن را تا حدی تضمین می‌کنند (Carelsan & Dinkmayer, 2007; Bigdeli et al., 2012).

نتیجه‌گیری

در تبیین نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت در مشاوره گروهی آدلری، درمان‌گر پس از شکل‌دهی به رابط‌های حسنه با اعضای گروه و بین اعضای گروه، در قالب پویاسازی گروهی و هدایت اعضا به مشارکت گروهی، به شناسایی دقیق سبک زندگی زوجین و کشف اشتباهات اساسی نهفته در آن می‌پردازد و در ادامه به صورتی خلاقانه اعضای گروه را با مفهوم تکالیف درون فردی و بین فردی زندگی مواجه می‌کند و ضرورت انجام و رعایت این تکالیف را در تحقق سلامت فردی و سلامت زندگی زناشویی، برای زوجین و اعضای گروه آشکار می‌سازد، در ادامه پس از ایجاد بینش نسبت به سبک زندگی، اشتباهات اساسی موجود در آن و نقش تکالیف در زندگی، زوجین در جهت بازآموزی مجدد هدایت می‌شوند و در قالب تکالیف درون‌جلسه‌ای و برون‌جلسه‌ای، در مسیر غلبه بر این اشتباهات تعارض‌برانگیز و همسوسازی سبک زندگی خویش با یکدیگر هدایت می‌شوند، هدایتی که به‌مرور به اعضای گروه یا همان زوجین را متوجه این واقعیت خواهد کرد که امکان زندگی سالم و به‌دوراز تعارض با رعایت شرایط فوق وجود دارد و بدین‌شکل و با تداوم برنامه‌ی به‌کارگرفته‌شده زوجین موفق می‌شوند که داشتن زندگی توأم با رضایت قلبی و به‌دوراز تنش و اختلافات مخرب را برای خویشتن تحقق ببخشند.

محدود کردن انتخاب نمونه به زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره اداره بهزیستی شهر سنندج اعتبار بیرونی و تعمیم نتایج حاصل از پژوهش به جامعه داوطلب و موردنظر را با محدودیت مواجه کرده است پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی حجم نمونه افزایش داده شود و با جمع‌آوری داده‌های بیشتر نتایج قابل استنادتری فراهم شود. پیشنهاد دیگر اینکه می‌توان از مشاوره گروهی آدلری در برنامه‌های مشاوره پیش از ازدواج جهت پیشگیری از بروز مشکلات احتمالی از طریق تفهیم و حل تعارض‌های بین‌سبکی و افزایش بینش نسبت به ضرورت انجام تکالیف درون فردی و بین فردی و حل اشتباهات نگرشی تعارض‌برانگیز استفاده شود. در سال‌های اخیر به دلیل افزایش روز افزون آمار طلاق در کشور، تشکیل کارگاه‌های مشاوره گروهی در مراکز مختلف فرهنگی، فرهنگ سراها، مراکز مشاوره و حتی دادگاه‌های حمایت خانواده، با تأکید بر نحوه‌ی ارتباط مؤثر زوجین و خانواده‌ها با یکدیگر با هدف بهبود کیفیت روابط و بدور از تعارض و آشفتگی می‌تواند به ثبات و پایداری نهاد خانواده کمک کند.

دوفصلنامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز (دوره ۸، سال هشتم، پاییز و زمستان ۹۷ شماره ۲)

همچنین درمانگران و مشاوران می‌توانند در مراکز مشاوره جهت صرف هزینه و وقت، زوج درمانی گروهی (آدلری) را در دستور کار خود قرار دهند.

سیاسگزاری

بدین‌وسیله از افرادی که در این پژوهش شرکت کردند و تمام کسانی که به نحوی ما را یاری دادند صمیمانه تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

References

- Abedi, A., Mosayebi, E., & Reza Oreyzi, H. (2013). Meta analysis of effectiveness of psychological group's intervention on rate of marital satisfaction (Iran- 1383-1389). *Family Counseling and Psychotherapy*, 3(2), 233-261. (Persain)
- Alizadeh, H., & Hashemi, M. (2008). The impact of an adlerian therapeutic program on marital satisfaction among the wives of veterans experiencing ptsd and their symptoms amelioration. *Psychological Studies*, 3(4), 93-114. (Persain)
- Allendorf, K., & Ghimere, D. J. (2013). Determinants of marital quality in an arranged marriage society. *Social Science Research*, 42(1), 59-70.
- Amani, A., Sohrabi, A., Bagheri, L., & Nasiri Hanis, G. (2018). The effectiveness of adlerian group counseling on couples' intimacy and interpersonal forgiveness. *Family Counseling and Psychotherapy*, 7(1), 45-64. (Persain)
- Ansbacher, H. L. (1979). The increasing recognition of Adler. In H. L. Ansbacher., R.R. Ansbacher (Eds.), *superiority and social interest. Alfred Adler, a collection of his later writings* (3rd rev. ed., 3-20). New York: Norton.
- Bagherinejad, Z. & Sanaie, B. (2002). Comparison of marital dissatisfaction of women and men seeking divorce in Isfahan. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 1(15), 61-78. (Persain)
- Bigdeli, Sh., Sedroshan, N. & Javadzadeh, A. (2012). Effectiveness of Adler's adult group consultation on the general health of divorced women in tehran. *3rd national consultation conference*, Islamic azad university of khomeynishahr. (Persain)
- Carlson, J., & Dinkmeyer, D. (2007). Adlerian marriage therapy. *The American Journal of Family Therapy*, 15(4), 326-332.
- Carlson, J., Watts, R. E., & Manniaci, M. (2006). *Adlerian therapy: Theory and practice*. Washington DC: American psychological Association.
- Coery, G., & Coery, M. A. (2015). *Therapeutic group*. Trans; Bahari, S., Bayram A., Rangjar, H., Bervati, M., Naqshbandi, S. Tehran: Ravan Publishing. (Persain)

- Corey, G. (2013). *Theory and practice of group counseling (8th ed)*. Belmont, CA: Brooks/ Cole, Cengage Learning.
- Fallahchai, R., Fallahi, M., & Ritchie, L. L. (2016). The impact of prep training on marital conflicts reduction: a randomized controlled with Iranian distressed couples. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 16(1), 61-76. (Persain)
- Farahani, H. A., Ghorbanalipour, M., Borjali, A. & Moghadas, L. (2008). Determining the effectiveness of group-Based lifestyle learning on increasing marital satisfaction. *Psychological Studies*, 4(3), 57-72. (Persain)
- George, D., Lou, Sh., Webb, J., Pugh, J., Martinez, A., & Foukston, J. (2015). Couple similarity on stimulus characteristics and marital satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 86(1), 126-131.
- Hawes, E. C. (1993). *Marriage counseling and enrichment*. In O. C. Christensen (Ed.), *Adlerian group counseling* (Rev. ed., pp. 125-163). Minneapolis, MN: Educational Media Corporation.
- Hosokawa, R., & Katsura, T. (2017). Marital relationship, parenting practices, and social skills development in preschool children. *Child Adolesc Psychiatry ment Health*, 11(2), 2-8.
- James, S. L. (2015). Variation in trajectories of women's marital quality. *Social Science Research*, 49(1), 16-30.
- Kargar, M., kimiaee, S., Mashhadi, A. (2014). The effectiveness of group couple therapy based on self-regulated on emotional abuse and martial distress. *Family Counseling and Psychotherapy*, 4(2), 269-297. (Persain)
- KeshavarzAfshar, H., Etemadi, A., AhmadiNavade, K., & SaadiPour, E. (2013). The comparison between effectiveness of personal constructs analysis model and emotionally-focused therapy on marital Satisfaction. *Family Counseling and Psychotherapy*, 3(4), 613-641. (Persain)
- Lacey, R. E., Kumari, M., & Mcmunn, A. (2013). Parental separation in childhood and adult inflammation: The importance of material and psychosocial pathways. *Journal of Psychoneuroendocrinology*, 38(11), 2476-2484.
- Madigan, Sh., Plamondon, A., & Jenkins, J. M. (2017). Marital conflict trajectories and associations with children disruptive. *Journal of Marriage and Family*, 79(2), 437-450.
- Margelisch, K., Schneewind, K. A., Violette, J., & Perrig_chiello, P. (2015). Marital stability, satisfaction and well-being in old age: variability and continuity in long term continuously married older persons. *Ageing & Mental Health*, 21(4), 389-398.
- Matshidze, P. & Nemitandani, V. (2017). The role of the vhavenda women in managing marital conflict in thulamela municipality, Thohoyandou: an indigenous perspective. *Empowering Women for Gender Equity*, 30(3), 70-79.

- Means-Christensen, A. J., Snyder, D. K., & Negy, C. (2003). Assessing nontraditional couples: validity of the marital satisfaction inventory-revised with gay, lesbian, and cohabiting heterosexual couples. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29(1), 69-78.
- Papp, L. M. (2017). Topics of marital conflict in the everyday lives of empty nest couples and their implication for conflict resolution. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 16(1), 1-18.
- Pur Ghaffari, S., Pasha, G.R. & Attari, Y. (2009). The effectiveness of life style components based on individual psychology approach on marital satisfaction among married female nurses in dezfoul hospital. *New Findings in Psychology Journal*, 4(12), 27-48. (Persian)
- Richard, B. (1989). Adlerian perspective on counseling the infertile couple. *Academic Journal*, 45 (4), 447-460.
- Sadati, S. E., Mehrabizadeh Honarmand, M. & Soodani, M. (2015). The causal relationship of differentiation, neuroticism, and forgiveness with marital disaffection through mediation of marital conflict. *Journal of Family Psychology*, 1(2), 55-68. (Persian)
- Sanaii, B., Barati, T., & Bostanipour, A. (2009). *Scales of marriage and family assessment*. Tehran: besat. (Persian)
- Salimi Bejestani, H. (2011). Adler group counselling protocol, *Quarterly journal of growth school consultation*, Number 22, 60-62. (Persian)
- Shafi Abadi, A. (2014). *Group dynamics and group counseling*. Tehran: Roshd. (Persian)
- Shafiei Nia, A. & Hosseinian, S. (2008). The effectiveness of group counseling with cognitive-behavioral therapy on marital conflict. *Educational and Psychological Research*, 3(13), 1-22. (Persian)
- Stieglitz, J., Gurven, M., Kaplan, H., & Winking, J. (2012). Infidelity, jealousy, and wife abuse among Tsimane forager-farmers: testing evolutionary hypotheses of marital conflict. *Evolution and Human Behavior*, 33(5), 438-448.
- Snyder, D. K. (1997). *Marital satisfaction inventory, revised (MSI-R)*. Los Angeles, CA: Western psychological services.
- Watts, R. E. (2003). *Adlerian cognitive, and constructive therapies: An integrative*. New York: Springer.
- Watts, R. E., & Pietrzak, D. (2000). *Adlerian encouragement and the therapeutic process*. New York: Springer.

